یادداشت

برجام و شرایط جدید

محمدحسین ملاتک
تحلیلگر مسائل بین‌الملل

در پرونده هسته‌ای تاکنون بیش از بیست سال و تا آینده نامعلومی تحریم‌های اعمالی بر کشور باعث آسیب به اقتصاد شده است. از تعطیلی شرکت‌های کوچک تا افزایش طلاق، از بحران مهاجرت تا اعتراضات اجتماعی، از نزول تعاون و دوستی به حرص و از فردی، از کسری بودجه‌های متوالی تا ناتوانی مسئولان در تحقق وعده‌ها، از بین رفتن رونق اقتصادی و رشد رانت‌خواری و اختلاس و نهایتا نامشخص بودن آینده و... همه و همه نتیجه مخالفت غرب با سیاست ما تحت عنوان برنامه هسته‌ای است. به عبارت دیگر آنها نگذاشتند که «برنامه هسته‌ای» هرچه هست، به رشد اقتصادی (رشد اقتصادی منفی در ۱۰ سال گذشته)، کاهش تورم، رشد سرمایه‌گذاری و رشد اشتغال (کاهش ۳۵درصد درآمد سرانه ملی) در کشور شود. اگر واقع‌گرا باشیم، در مورد این تنها آمریکا، اروپا و اسرائیل نیستند که مخالف برجام هستند اینها به‌خاطر نفوذ صهیونیسم حتما نمی‌خواهند ایران دارای امکانات اتمی بشود و سهم بزرگی در مخالفت با این برنامه را دارند، اما روسیه هم در فاصله دور تری از آنها، در مورد اتمی شدن ایران حساسیت خود را دارد و تقریبا همین سیاست را دنبال می‌کند. چین که در گذشته بی‌علاقه نبود ایران و پاکستان از طریق این کشور اتمی شوند با گسترش تجارت و گره‌خوردن منافع جهانی‌اش با سیاست‌های عربستان و اسرائیل، با نظر مخالفت آنها اختلافی اساسی ندارد. به هر صورت برآیند تلاش سیاست‌های غرب برای از بین بردن برنامه هسته‌ای ایران به نگارش ساختار تفاهم بین‌المللی برای چگونگی تعامل با ایران به نام «برجام» منجر شد. هرچند از اول هم این شک و تردید وجود داشت که با فرض ثابت بودن سیاست‌های داخلی و خارجی جمهوری اسلامی امید به نرمال شدن وضعیت اتمی ایران بعد از پایان یافتن محدودیت‌های زمانی ذکر شده در برجام دور از واقعیت خواهد بود و آنها به‌دنبال بهانه برای مانع تراشی در اجرای این برنامه باشند. تکلیف «موافقان برجام» مشخص است. آنها معتقدند با توجه به محدودیت‌های بین‌المللی از مذاکره با دشمن بیش از این عاید نخواهد شد. اگرچه ممکن است در مذاکرات با توجه به شرایط تغییرات مختصر در تعهدات آنها یا برخی چشم‌پوشی‌ها در اجرا البته در مقابل تحمیل هزینه بیشتر به‌وجود آید لیکن آنها اتمی شدن ایران را حمایت نخواهند کرد. از طرف دیگر به نظر می‌رسد «مخالفان برجام» در فقدان تعریف یک هدف منفعت دار یا معنی، از نداشتن استراتژی رنج می‌برند و به همین دلیل باعث بالاتر رفتن هزینه‌های کشور شده‌اند. تقریبا تمامی معادلات سیاسی و بین‌المللی که به توافق برجام در ۲۰۱۵ منجر شد از اعتبار ساقط است. حمله ناموفق و ناتمام روسیه به اوکراین و روبه‌رو شدن با انواع تحریم‌ها که حداقل ۱۰ سالی این کشور را به خود مشغول خواهد کرد، موفقیت تدافعی چین در مقایسه با سال‌های مذاکرات برجام در صحنه بین‌المللی، ارتقای روابط اسرائیل با منطقه عربی، ارتقای شرایط سیاسی و اجتماعی و بین‌المللی عربستان سعودی و نهایتا ارتقای کیفیت فنی پروژه‌های اتمی از یک طرف و تحولات داخلی کشور از طرف دیگر می‌گوید که ایران باید یک بازنگری جدی در برجام انجام دهد و طرح نوینی با در نظر گرفتن شرایط جدید مورد نیاز است.

نگاه

برگزاری نخستین نشست گروه دوستان بی‌طرفی در ترکمنستان

معاون امور حقوقی و بین‌المللی وزارت امور خارجه در نخستین نشست عالی‌رتبه گروه دوستان بی‌طرفی برای صلح، امنیت و توسعه پایدار که در ترکمنستان برگزار شده بود، گفت: اقدامات قهرآمیز یکجانبه از جمله تحریم‌ها منجر به تضعیف صلح و امنیت بین‌المللی شده است. رضا نجفی در سخنان خود در این نشست، روندهای هشداردهنده مسابقه تسلیحات هسته‌ای، احتمال به‌کارگیری آسان انواع سلاح‌های اتمی که به کاهش آستانه استفاده از آنها منجر شده و همچنین تهدیدات گروه‌های تروریستی، افزایش مخارج نظامی در سطح جهان و سوءاستفاده از نهادها و ابزارهای بین‌المللی را مایه نگرانی جدی و نمونه‌هایی زنده از تضعیف شدن صلح و امنیت بین‌المللی برشمرد. این دیپلمات ارشد ایرانی که برای شرکت در نخستین نشست عالی‌رتبه گروه دوستان بی‌طرفی برای صلح، امنیت و توسعه پایدار به ترکمنستان سفر کرده است، با اشاره به پیامدهای منفی سیاست محرب گروهی از کشورها در استفاده از مفاهیم برجسته‌ای مانند حقوق بشر به‌عنوان بهانه‌ای برای مداخله در امور داخلی دیگر کشورها افزود: اینگونه اقدامات غیرمسئولانه، نقض فاحش حقوق بین‌الملل و اصول بنیادینی است که حقوق بشر بین‌المللی بر پایه آن بنا شده است. وی نویسا به اقدامات قهرآمیز یکجانبه شامل تحریم‌ها را در زمره روندهای مخربی برشمرد که منجر به تضعیف صلح و امنیت بین‌المللی شده و ضمن نقض فاحش حقوق بشر، مانع توسعه اقتصادی اجتماعی کشورهای هدف شده است. معاون حقوقی و بین‌المللی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، با قلمداد کردن تحریم‌ها به‌عنوان تروریسم اقتصادی، گفت: کشورهای اعمال‌کننده تحریم‌ها در واقع از دارو و تجهیزات پزشکی به عنوان سلاحی علیه بیماران استفاده می‌کنند که غیر قانونی، غیرانسانی و شرم‌آور است. نجفی در ادامه سخنرانی خود در این نشست عالی‌رتبه با تأکید بر ضرورت وحدت در رسیدگی به چالش‌های جهانی و اینکه این چالش‌ها نیازمند راه‌حل جامع و جهانی هستند، تصریح کرد: سیاست‌هایی نظیر اقدامات قهرآمیز و تحریم راه‌حل محسوب نمی‌شوند و برای فائق آمدن بر این چالش‌ها، گزینه‌ای غیر از گفت‌وگو، احترام متقابل و همکاری با یکدیگر بر پایه اصول حقوق بین‌الملل وجود ندارد. وی در پایان بر آمادگی جمهوری اسلامی ایران برای همکاری فعالانه و سازنده با اعضای گروه دوستان بی‌طرفی به منظور دستیابی به اهداف مذکور تأکید کرد. گروه دوستان بی‌طرفی برای صلح، امنیت و توسعه پایدار به ابتکار ترکمنستان و از سال ۲۰۲۰ با هدف تقویت استفاده از ابزارهای دیپلماسی پیشگیرانه و حل و فصل مسالمت‌آمیز منازعات تشکیل شده است و نزدیک به ۲۰ کشور عضو آن هستند.

کمال‌الدین پیرموذن در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

زخم‌های امروز اقتصاد با پانسمان درمان نمی‌شود

- سامان دادن به اقتصاد کشور با این تیم اقتصادی ممکن نیست
- نشانه‌هایی از تغییر مدیران ناکارآمد وجود ندارد
- در شرایط کنونی هرگونه تصمیم اشتباه منجر به فاجعه خواهد شد
- در فرصت‌سوزی مقام اول را در جهان در اختیار داریم
- شرایط نامناسب اقتصادی طبقه متوسط و ضعیف را معترض کرده است

آرمان ملی- احسان انصاری: زمزمه‌هایی مبنی بر تغییر برخی مدیران دولت و به خصوص مدیران اقتصادی شنیده می‌شود. این در حالی است که حجت عبدالملکی اولین وزیر برکناری دولت بود و فاطمی امین نیز تا پای استیضاح نماینده‌گان مجلس رفت. از سوی دیگر با درگذشت رستم قاسمی، مهرداد بذرپاش به کابینه اضافه شده است. فردی که در دولت احمدی‌نژاد نیز وجود داشت. در شرایط کنونی سوال مهم این است که تغییر مدیران به چه میزان می‌تواند به تغییر شرایط کشور و به خصوص وضعیت اقتصادی منجر می‌شود؟ «آرمان ملی» برای تحلیل این موضوع با کمال‌الدین پیرموذن، نماینده سابق مجلس شورای اسلامی و فعال سیاسی اصلاح‌طلب گفت‌وگو کرده است که در ادامه می‌خوانید.

زمزمه‌هایی مبنی بر تغییر برخی مدیران اقتصادی دولت شنیده می‌شود. این گمانه‌زنی‌ها نشانه چیست؟ دولت با تغییر مدیران اقتصادی به دنبال چیست؟

امروز آنچه در جامعه ایران نقش کلیدی ایفا می‌کند تورم است. با این بی‌برنامگی اقتصادی و عدم ارتباط با کشورهای جهان، بحران در اقتصاد مولد و تزریق نقدینگی بدون تردید کشور با چالش‌های سختی مواجه خواهد شد و اعتماد اجتماعی کاهش پیدا خواهد کرد. یکدست شدن حاکمیت و عدم توجه به هم‌اندیشی و استفاده از نیروهای فکری و سیاسی جریان‌های دلسوز و متعهد باعث شده مشکلات عمیق‌تر نیز شود. این در حالی است که استفاده از تجربیات و اندیشه‌های مختلف در مدیریت کشور می‌تواند تا حدود زیادی شرایط را تغییر بدهد و امیدواری ایجاد کند. اگر قرار است مشکلات اقتصادی کشور حل شود باید برخی رویکردها در کشور تغییر کند و اجازه داده شود مدیران توانمندتر و متخصص در مسندهای مدیریتی قرار بگیرند. در شرایط کنونی یکی از مسائلی که مشکلات اقتصادی را تشدید کرده تصمیماتی است که برخی مدیران اتخاذ می‌کنند. برخی از این مدیران توانایی و تجربه کافی برای جراحی اقتصادی و زمینه‌سازی برای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌های مناسب اقتصادی را ندارند. نکته مهم در این زمینه این است که طبقه متوسط نیز دراعتراض نسبت به وضعیت اقتصادی جامعه با طبقه ضعیف همراه شده و در شرایط کنونی اقشار مختلف مردم نسبت به سیاست‌های اقتصادی و تصمیماتی که در این زمینه گرفته می‌شود معترض هستند. سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی در مسیر رکود قرار گرفته است. از سوی دیگر میانگین سهم دانایی در ارزش افزوده در بین کشورهای جهان و حتی کشورهای خام‌فروش کمتر است. ضریب جینی و شکاف طبقاتی نگران کننده است و شاخص فلاکت در وضعیت خوبی نیست. این در حالی است که ما از نظر فرصت‌سوزی در جهان مقام اول را داریم.

> اگر قرار است رشد ۸ درصدی مورد نظر در برنامه هفتم توسعه لحاظ شود باید فضای کسب و کار شرایط بهتری پیدا کند. از سوی دیگر رقابت‌پذیری در اقتصاد افزایش پیدا کند و ما بتوانیم با کشورهای مختلف جهان ارتباط اقتصادی داشته باشیم

تغییر مدیران برای بهبود شرایط اقتصادی کشور کفایت می‌کند یا نیاز به تغییر در رویکردها و سیاست‌ها وجود دارد؟

فرایند تولید جهان به سمت دانش بیشتر و سرمایه کمتر است و این وضعیت را به خوبی می‌توان در کشورهایی مانند آلمان و ژاپن مشاهده کرد. ایران نیز از این فرایند جدا نیست و باید دیر یا زود در این مسیر حرکت کند. اگر قرار است مدیران در دولت تغییر کنند که این اتفاق ضروری است و باید رخ بدهد نماینده‌گان مجلس نیز باید در برخی قوانین تغییر ایجاد کنند. تغییر وضعیت موجود و بهبود شرایط اقتصادی مردم تنها از عهده دولت بر نمی‌آید و همه نهادهای تصمیم‌گیر باید در این زمینه مشارکت داشته باشند. حضرت امام(ره) خطاب به برخی مدعیان عنوان می‌کرد شما حتی از اداره یک ناوالی نیز عاجز و ناتوان هستید. به نظر می‌رسد این وضعیت در شرایط کنونی نیز وجود دارد و برخی از توانایی کافی برای مدیریت زیرمجموعه خود ناتوان هستند. طبیعی است که هنوز بسیاری از ظرفیت‌های انسانی و طبیعی این کشور ناشناخته مانده و از کسانی که از توانایی کافی برای مدیریت کشور برخوردار هستند استفاده نشده است. شرایط به شکلی است که گویا توجه به توسعه در زمینه اقتصادی در دستور کار برخی مدیران نیست و برای آنها اولویت‌های دیگری حائز اهمیت است. بروکراسی پیچیده باعث شده که اقدامی که می‌توانسته در یک هفته انجام شود در سه ماه نیز انجام نشده باشد. من معتقدم سروسامان دادن به اقتصاد کشور با این تیم اقتصادی ممکن نیست. امروز مردم به دنبال تغییر مدیران و استفاده از افرادی هستند که از تخصص و تعهد لازم در زمینه مدیریت کشور برخوردار باشند. این در حالی است که نشانه‌هایی از استفاده از افراد کارآمدتر در دولت فعلا دیده نمی‌شود.

چرا چنین نشانه‌هایی وجود ندارد؟

برنامه توسعه نیاز به مدیر متخصص و متعهد دارد. به همین دلیل برای غنا بخشیدن به برنامه هفتم توسعه باید از مدیرانی استفاده شود که از توانایی کافی در زمینه مدیریت کشور برخوردار باشند. در لایحه بودجه نیز هرچه کسری بودجه بیشتر باشد به همان اندازه نرخ رشد کمتر خواهد بود و عرصه اقتصادی بر اقشار ضعیف و متوسط جامعه تنگ‌تر خواهد بود. اگر قرار است رشد ۸ درصدی مورد نظر در برنامه هفتم توسعه لحاظ شود باید فضای کسب و کار شرایط بهتری پیدا کند. از سوی دیگر رقابت پذیری در اقتصاد افزایش پیدا کند و ما بتوانیم با کشورهای مختلف جهان ارتباط اقتصادی داشته باشیم. من معتقدم اگر کشور قوانین بایکفیت و کارآمد و مترقی و با ضمانت اجرای قوی داشت اقتصاد و بیکاری و فقر و تورم و گرانی و خلاصه معیشت و امید و اعتماد مردم به این روز نمی‌افتاد. راه علاج این درد اصلاح قوانین مانع پیشرفت است که متأسفانه عزم و اراده‌ای برای فهمیدن صورت مساله و اقدام و عمل طی سال‌های گذشته نبوده است. این زخم اقتصاد با پانسمان درمان نمی‌شود. این واقعیت را همه باید بدانند اگر امروز تحت تاثیر قوانین مترقی و کارآمد و سپردن کارها به‌دست افراد قوی‌تر متوسط درآمد سرانه هر ایرانی حداقل ده هزار دلار بود هیچ یک از این اتفاقات نمی‌افتاد. لذا با خوب عمل کردن به قوانین خوب اقتصاد قوی، امنیت برقرار و ملک آباد و ملّت با امید و اعتماد به پیشرفت و عدالت و آینده روشن راضی می‌شوند. متأسفانه فساد وقتی اتفاق می‌افتد که یک طرف یا دو طرف میز بخش خصوصی واقعی نباشد و مدیر و مسئول و کارشناس و مامور و کارمند از کیسه دیگران باعوض یا بلاعوض می‌بخشد. ما از این نکته مهم هم غفلت کرده‌ایم که بزرگ‌ترین فساد‌ها ناکارآمدی و هدر دادن سرمایه‌های انسانی و مالی و فرصت‌هاست که تولید ناخالص کشور را بجای حداقل یک هزارمیلیارد دلار به حداکثر سیصد میلیارد دلار درحال حاضر تقلیل داده است. حدود هفتصد میلیارد دلار کسری فقط در یکسال یعنی صدها برابر اختلاس‌هایی که معلوم نیست واقعی باشد و اگر هم واقعی باشد معلول ناکارآمدی و یک طرف میز غیربخش خصوصی واقعی بودن است. یک فساد بزرگ دیگر که متأسفانه در کشور عادی شده قانون شکنی و بی‌اعتنایی به قانون است. این فساد‌ها امید و اعتماد مردم بویژه جوانان را هدف قرار داده است.

چگونه می‌توانیم در سیاست‌های موجود تجدیدنظر کنیم؟ دولت و حاکمیت باید چه رویکردی را در این زمینه در پیش بگیرند؟

تحولات داخلی و پیرامونی کشور ما در سال‌های اخیر کشور را در شرایط حساس و ویژه قرار داده است و یقینا تنها درک و تبیین واقع‌بینانه این وضعیت ما را در جهت دفاع از آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی یعنی استقلال، آزادی و حفظ نظام یاری می‌رساند. رخداد هرگونه خطا و لغزشی در این شرایط از سوی نیروهای سیاسی یا بخشی از حاکمیت می‌تواند به فاجعه‌ای منجر شود که هیچ ایرانی خواهان استقلال و آزادی، خواهان آن نیست. از یک طرف همه ما شاهد سرمایه‌گذاری پلید آمریکا، رژیم صهیونیستی، وهابی‌ها و معاندین نظام و کیان در کشور هستیم. از طرف دیگر اکثریت مردم که آسیب‌های فراوانی از تحریم ظالمانه آمریکا، تورم و گرانی و خلاصه معیشت و امید و اعتماد مردم به این روز نمی‌افتاد. راه علاج این درد اصلاح قوانین مانع پیشرفت است که متأسفانه عزم و اراده‌ای برای فهمیدن صورت مساله و اقدام و عمل طی سال‌های گذشته نبوده است. این زخم اقتصاد با پانسمان درمان نمی‌شود. این واقعیت را همه باید بدانند اگر امروز تحت تاثیر قوانین مترقی و کارآمد و سپردن کارها به‌دست افراد قوی‌تر متوسط درآمد سرانه هر ایرانی حداقل ده هزار دلار بود هیچ یک از این اتفاقات نمی‌افتاد. لذا با خوب عمل کردن به قوانین خوب اقتصاد قوی، امنیت برقرار و ملک آباد و ملّت با امید و اعتماد به پیشرفت و عدالت و آینده روشن راضی می‌شوند. متأسفانه فساد وقتی اتفاق می‌افتد که یک طرف یا دو طرف میز بخش خصوصی واقعی نباشد و مدیر و مسئول و کارشناس و مامور و کارمند از کیسه دیگران باعوض یا بلاعوض می‌بخشد. ما از این نکته مهم هم غفلت کرده‌ایم که بزرگ‌ترین فساد‌ها ناکارآمدی و هدر دادن سرمایه‌های انسانی و مالی و فرصت‌هاست که تولید ناخالص کشور را بجای حداقل یک هزارمیلیارد دلار به حداکثر سیصد میلیارد دلار درحال حاضر تقلیل داده است. حدود هفتصد میلیارد دلار کسری فقط در یکسال یعنی صدها برابر اختلاس‌هایی که معلوم نیست واقعی باشد و اگر هم واقعی باشد معلول ناکارآمدی و یک طرف میز غیربخش خصوصی واقعی بودن است. یک فساد بزرگ دیگر که متأسفانه در کشور عادی شده قانون شکنی و بی‌اعتنایی به قانون است. این فساد‌ها امید و اعتماد مردم بویژه جوانان را هدف قرار داده است.

> فرایند تولید جهان به سمت دانش بیشتر و سرمایه کمتر است و این وضعیت را به خوبی می‌توان در کشورهایی مانند آلمان و ژاپن مشاهده کرد. ایران نیز از این فرایند جدا نیست و باید دیر یا زود در این مسیر حرکت کند

> استفاده از تجربیات و اندیشه‌های مختلف در مدیریت کشور می‌تواند تا حدود زیادی شرایط را تغییر بدهد و امیدواری ایجاد کند

چگونه می‌توانیم در سیاست‌های موجود تجدیدنظر کنیم؟ دولت و حاکمیت باید چه رویکردی را در این زمینه در پیش بگیرند؟

تحولات داخلی و پیرامونی کشور ما در سال‌های اخیر کشور را در شرایط حساس و ویژه قرار داده است و یقینا تنها درک و تبیین واقع‌بینانه این وضعیت ما را در جهت دفاع از آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی یعنی استقلال، آزادی و حفظ نظام یاری می‌رساند. رخداد هرگونه خطا و لغزشی در این شرایط از سوی نیروهای سیاسی یا بخشی از حاکمیت می‌تواند به فاجعه‌ای منجر شود که هیچ ایرانی خواهان استقلال و آزادی، خواهان آن نیست. از یک طرف همه ما شاهد سرمایه‌گذاری پلید آمریکا، رژیم صهیونیستی، وهابی‌ها و معاندین نظام و کیان در کشور هستیم. از طرف دیگر اکثریت مردم که آسیب‌های فراوانی از تحریم ظالمانه آمریکا، تورم و گرانی و خلاصه معیشت و امید و اعتماد مردم به این روز نمی‌افتاد. راه علاج این درد اصلاح قوانین مانع پیشرفت است که متأسفانه عزم و اراده‌ای برای فهمیدن صورت مساله و اقدام و عمل طی سال‌های گذشته نبوده است. این زخم اقتصاد با پانسمان درمان نمی‌شود. این واقعیت را همه باید بدانند اگر امروز تحت تاثیر قوانین مترقی و کارآمد و سپردن کارها به‌دست افراد قوی‌تر متوسط درآمد سرانه هر ایرانی حداقل ده هزار دلار بود هیچ یک از این اتفاقات نمی‌افتاد. لذا با خوب عمل کردن به قوانین خوب اقتصاد قوی، امنیت برقرار و ملک آباد و ملّت با امید و اعتماد به پیشرفت و عدالت و آینده روشن راضی می‌شوند. متأسفانه فساد وقتی اتفاق می‌افتد که یک طرف یا دو طرف میز بخش خصوصی واقعی نباشد و مدیر و مسئول و کارشناس و مامور و کارمند از کیسه دیگران باعوض یا بلاعوض می‌بخشد. ما از این نکته مهم هم غفلت کرده‌ایم که بزرگ‌ترین فساد‌ها ناکارآمدی و هدر دادن سرمایه‌های انسانی و مالی و فرصت‌هاست که تولید ناخالص کشور را بجای حداقل یک هزارمیلیارد دلار به حداکثر سیصد میلیارد دلار درحال حاضر تقلیل داده است. حدود هفتصد میلیارد دلار کسری فقط در یکسال یعنی صدها برابر اختلاس‌هایی که معلوم نیست واقعی باشد و اگر هم واقعی باشد معلول ناکارآمدی و یک طرف میز غیربخش خصوصی واقعی بودن است. یک فساد بزرگ دیگر که متأسفانه در کشور عادی شده قانون شکنی و بی‌اعتنایی به قانون است. این فساد‌ها امید و اعتماد مردم بویژه جوانان را هدف قرار داده است.

چگونه می‌توانیم در سیاست‌های موجود تجدیدنظر کنیم؟ دولت و حاکمیت باید چه رویکردی را در این زمینه در پیش بگیرند؟

تحولات داخلی و پیرامونی کشور ما در سال‌های اخیر کشور را در شرایط حساس و ویژه قرار داده است و یقینا تنها درک و تبیین واقع‌بینانه این وضعیت ما را در جهت دفاع از آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی یعنی استقلال، آزادی و حفظ نظام یاری می‌رساند. رخداد هرگونه خطا و لغزشی در این شرایط از سوی نیروهای سیاسی یا بخشی از حاکمیت می‌تواند به فاجعه‌ای منجر شود که هیچ ایرانی خواهان استقلال و آزادی، خواهان آن نیست. از یک طرف همه ما شاهد سرمایه‌گذاری پلید آمریکا، رژیم صهیونیستی، وهابی‌ها و معاندین نظام و کیان در کشور هستیم. از طرف دیگر اکثریت مردم که آسیب‌های فراوانی از تحریم ظالمانه آمریکا، تورم و گرانی و خلاصه معیشت و امید و اعتماد مردم به این روز نمی‌افتاد. راه علاج این درد اصلاح قوانین مانع پیشرفت است که متأسفانه عزم و اراده‌ای برای فهمیدن صورت مساله و اقدام و عمل طی سال‌های گذشته نبوده است. این زخم اقتصاد با پانسمان درمان نمی‌شود. این واقعیت را همه باید بدانند اگر امروز تحت تاثیر قوانین مترقی و کارآمد و سپردن کارها به‌دست افراد قوی‌تر متوسط درآمد سرانه هر ایرانی حداقل ده هزار دلار بود هیچ یک از این اتفاقات نمی‌افتاد. لذا با خوب عمل کردن به قوانین خوب اقتصاد قوی، امنیت برقرار و ملک آباد و ملّت با امید و اعتماد به پیشرفت و عدالت و آینده روشن راضی می‌شوند. متأسفانه فساد وقتی اتفاق می‌افتد که یک طرف یا دو طرف میز بخش خصوصی واقعی نباشد و مدیر و مسئول و کارشناس و مامور و کارمند از کیسه دیگران باعوض یا بلاعوض می‌بخشد. ما از این نکته مهم هم غفلت کرده‌ایم که بزرگ‌ترین فساد‌ها ناکارآمدی و هدر دادن سرمایه‌های انسانی و مالی و فرصت‌هاست که تولید ناخالص کشور را بجای حداقل یک هزارمیلیارد دلار به حداکثر سیصد میلیارد دلار درحال حاضر تقلیل داده است. حدود هفتصد میلیارد دلار کسری فقط در یکسال یعنی صدها برابر اختلاس‌هایی که معلوم نیست واقعی باشد و اگر هم واقعی باشد معلول ناکارآمدی و یک طرف میز غیربخش خصوصی واقعی بودن است. یک فساد بزرگ دیگر که متأسفانه در کشور عادی شده قانون شکنی و بی‌اعتنایی به قانون است. این فساد‌ها امید و اعتماد مردم بویژه جوانان را هدف قرار داده است.

زمزمه‌هایی مبنی بر تغییر برخی مدیران دولت و به خصوص مدیران اقتصادی شنیده می‌شود. این گمانه‌زنی‌ها نشانه چیست؟ دولت با تغییر مدیران اقتصادی به دنبال چیست؟

امروز آنچه در جامعه ایران نقش کلیدی ایفا می‌کند تورم است. با این بی‌برنامگی اقتصادی و عدم ارتباط با کشورهای جهان، بحران در اقتصاد مولد و تزریق نقدینگی بدون تردید کشور با چالش‌های سختی مواجه خواهد شد و اعتماد اجتماعی کاهش پیدا خواهد کرد. یکدست شدن حاکمیت و عدم توجه به هم‌اندیشی و استفاده از نیروهای فکری و سیاسی جریان‌های دلسوز و متعهد باعث شده مشکلات عمیق‌تر نیز شود. این در حالی است که استفاده از تجربیات و اندیشه‌های مختلف در مدیریت کشور می‌تواند تا حدود زیادی شرایط را تغییر بدهد و امیدواری ایجاد کند. اگر قرار است مشکلات اقتصادی کشور حل شود باید برخی رویکردها در کشور تغییر کند و اجازه داده شود مدیران توانمندتر و متخصص در مسندهای مدیریتی قرار بگیرند. در شرایط کنونی یکی از مسائلی که مشکلات اقتصادی را تشدید کرده تصمیماتی است که برخی مدیران اتخاذ می‌کنند. برخی از این مدیران توانایی و تجربه کافی برای جراحی اقتصادی و زمینه‌سازی برای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌های مناسب اقتصادی را ندارند. نکته مهم در این زمینه این است که طبقه متوسط نیز دراعتراض نسبت به وضعیت اقتصادی جامعه با طبقه ضعیف همراه شده و در شرایط کنونی اقشار مختلف مردم نسبت به سیاست‌های اقتصادی و تصمیماتی که در این زمینه گرفته می‌شود معترض هستند. سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی در مسیر رکود قرار گرفته است. از سوی دیگر میانگین سهم دانایی در ارزش افزوده در بین کشورهای جهان و حتی کشورهای خام‌فروش کمتر است. ضریب جینی و شکاف طبقاتی نگران کننده است و شاخص فلاکت در وضعیت خوبی نیست. این در حالی است که ما از نظر فرصت‌سوزی در جهان مقام اول را داریم.

تغییر مدیران برای بهبود شرایط اقتصادی کشور کفایت می‌کند یا نیاز به تغییر در رویکردها و سیاست‌ها وجود دارد؟

فرایند تولید جهان به سمت دانش بیشتر و سرمایه کمتر است و این وضعیت را به خوبی می‌توان در کشورهایی مانند آلمان و ژاپن مشاهده کرد. ایران نیز از این فرایند جدا نیست و باید دیر یا زود در این مسیر حرکت کند. اگر قرار است مدیران در دولت تغییر کنند که این اتفاق ضروری است و باید رخ بدهد نماینده‌گان مجلس نیز باید در برخی قوانین تغییر ایجاد کنند. تغییر وضعیت موجود و بهبود شرایط اقتصادی مردم تنها از عهده دولت بر نمی‌آید و همه نهادهای تصمیم‌گیر باید در این زمینه مشارکت داشته باشند. حضرت امام(ره) خطاب به برخی مدعیان عنوان می‌کرد شما حتی از اداره یک ناوالی نیز عاجز و ناتوان هستید. به نظر می‌رسد این وضعیت در شرایط کنونی نیز وجود دارد و برخی از توانایی کافی برای مدیریت زیرمجموعه خود ناتوان هستند. طبیعی است که هنوز بسیاری از ظرفیت‌های انسانی و طبیعی این کشور ناشناخته مانده و از کسانی که از توانایی کافی برای مدیریت کشور برخوردار هستند استفاده نشده است. شرایط به شکلی است که گویا توجه به توسعه در زمینه اقتصادی در دستور کار برخی مدیران نیست و برای آنها اولویت‌های دیگری حائز اهمیت است. بروکراسی پیچیده باعث شده که اقدامی که می‌توانسته در یک هفته انجام شود در سه ماه نیز انجام نشده باشد. من معتقدم سروسامان دادن به اقتصاد کشور با این تیم اقتصادی ممکن نیست. امروز مردم به دنبال تغییر مدیران و استفاده از افرادی هستند که از تخصص و تعهد لازم در زمینه مدیریت کشور برخوردار باشند. این در حالی است که نشانه‌هایی از استفاده از افراد کارآمدتر در دولت فعلا دیده نمی‌شود.

چرا چنین نشانه‌هایی وجود ندارد؟

برنامه توسعه نیاز به مدیر متخصص و متعهد دارد. به همین دلیل برای غنا بخشیدن به برنامه هفتم توسعه باید از مدیرانی استفاده شود که از توانایی کافی در زمینه مدیریت کشور برخوردار باشند. در لایحه بودجه نیز هرچه کسری بودجه بیشتر باشد به همان اندازه نرخ رشد کمتر خواهد بود و عرصه اقتصادی بر اقشار ضعیف و متوسط جامعه تنگ‌تر خواهد بود. اگر قرار است رشد ۸ درصدی مورد نظر در برنامه هفتم توسعه لحاظ شود باید فضای کسب و کار شرایط بهتری پیدا کند. از سوی دیگر رقابت پذیری در اقتصاد افزایش پیدا کند و ما بتوانیم با کشورهای مختلف جهان ارتباط اقتصادی داشته باشیم. من معتقدم اگر کشور قوانین بایکفیت و کارآمد و مترقی و با ضمانت اجرای قوی داشت اقتصاد و بیکاری و فقر و تورم و گرانی و خلاصه معیشت و امید و اعتماد مردم به این روز نمی‌افتاد. راه علاج این درد اصلاح قوانین مانع پیشرفت است که متأسفانه عزم و اراده‌ای برای فهمیدن صورت مساله و اقدام و عمل طی سال‌های گذشته نبوده است. این زخم اقتصاد با پانسمان درمان نمی‌شود. این واقعیت را همه باید بدانند اگر امروز تحت تاثیر قوانین مترقی و کارآمد و سپردن کارها به‌دست افراد قوی‌تر متوسط درآمد سرانه هر ایرانی حداقل ده هزار دلار بود هیچ یک از این اتفاقات نمی‌افتاد. لذا با خوب عمل کردن به قوانین خوب اقتصاد قوی، امنیت برقرار و ملک آباد و ملّت با امید و اعتماد به پیشرفت و عدالت و آینده روشن راضی می‌شوند. متأسفانه فساد وقتی اتفاق می‌افتد که یک طرف یا دو طرف میز بخش خصوصی واقعی نباشد و مدیر و مسئول و کارشناس و مامور و کارمند از کیسه دیگران باعوض یا بلاعوض می‌بخشد. ما از این نکته مهم هم غفلت کرده‌ایم که بزرگ‌ترین فساد‌ها ناکارآمدی و هدر دادن سرمایه‌های انسانی و مالی و فرصت‌هاست که تولید ناخالص کشور را بجای حداقل یک هزارمیلیارد دلار به حداکثر سیصد میلیارد دلار درحال حاضر تقلیل داده است. حدود هفتصد میلیارد دلار کسری فقط در یکسال یعنی صدها برابر اختلاس‌هایی که معلوم نیست واقعی باشد و اگر هم واقعی باشد معلول ناکارآمدی و یک طرف میز غیربخش خصوصی واقعی بودن است. یک فساد بزرگ دیگر که متأسفانه در کشور عادی شده قانون شکنی و بی‌اعتنایی به قانون است. این فساد‌ها امید و اعتماد مردم بویژه جوانان را هدف قرار داده است.

- زمزمه‌هایی مبنی بر تغییر برخی مدیران اقتصادی شنیده می‌شود
- در شرایط کنونی سوال مهم این است که تغییر مدیران به چه میزان می‌تواند به تغییر شرایط کشور و به خصوص وضعیت اقتصادی منجر می‌شود؟
- در حال حاضر هیچ قرارداد اقتصادی با چین ندارد و تنها با هم‌دیگر توافق کرده‌اند که در آینده با هم روابطی داشته باشند. این توافق هیچ نفع اقتصادی ندارد، اما چین با سعودی‌ها قرارداد ۳۵ میلیارد دلاری بسته است و اگر زیر آن هم بزند باید خسارت آن را پرداخت کند
- نباید نقش پاکستان را نادیده گرفت. قرار است چین ۶۰ میلیارد دلار در پاکستان سرمایه‌گذاری کنند و تا به حال نیز ۱۲ میلیارد دلار هم از این حجم از سرمایه‌گذاری صورت گرفته است. تمرکز این سرمایه‌گذاری نیز گوادر، بندری در جنوبی پاکستان در دریای عمان است

عبدالرضا فرجی‌راد در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

پاکستان موجب رابطه چین و عربستان شده است

- چین به رابطه اقتصادی با ایران ادامه می‌دهد
- ارتباط استراتژیک چین با عربستان
- بندر گوادر محل رفت و آمد کشتی‌های نظامی و تجاری چین خواهد شد

**آرمان ملی: سفر شی جین پینگ، رئیس جمهوری خلق چین به خاورمیانه و انعقاد قرارداد با عربستان و امارات متحده عربی موجب شده برخی تحلیل کنند که این چین است که به سوی خاورمیانه چرخیده است. برخی نیز این تحلیل را ارائه می‌دهند که اعراب در فقدان حضور ایالات متحده در منطقه به دنبال یک جایگزین دیگر هستند تا امنیت آنها را هم تامین کند و هم اینکه با حضور چین در منطقه معادله امنیت تهران را در معادلات خاورمیانه ببندند. به نظر می‌رسد نباید به هیچ کدام از این تحلیل‌ها وقعی نهاد، چرا که چین تصمیم گرفته به حیاط خلوت آمریکا آمده و عملا در برابر آنچه تحت عنوان سیاست کنترل چین از سوی ایالات متحده در دستور کار است، بایستد. این تصمیم از سال‌های قبل در آفریقا شروع شده و بلان دوم آن در مورد خاورمیانه تئوریزه شده است و اکنون چین در نظر دارد بخش خاورمیانه‌ای آن سیاست را اجرا کند. البته در این میان چین تصمیماتی گرفته که احتمالا به مذاق تهران خوش نیامده است، چرا که قرار بود یکن با تهران قرارداد ۲۵ ساله به مبلغ ۴۰۰ میلیارد دلاری امضا کنند، اما با رقیب منطقه‌ای ایران قرارداد ۳۵ میلیارد دلاری امضا کرده است. «آرمان ملی» در این ارتباط با عبدالرضا فرجی راد، دیپلمات و کارشناس روابط بین‌الملل به گفت‌وگو پرداخته است. فرجی راد معتقد است: «چین در هر صورت تصمیم خود را برای همکاری با عربستان گرفته و این تهران است که نباید اجاز